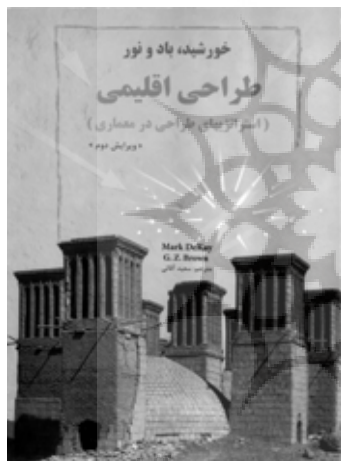


## نگاهی به دو کتاب



خورشید، باد و نور

طراحی اقلیمی (استراتژی‌های طراحی اقلیمی در معماری)

جی. رد. براون دکی

ترجمه‌ی سعید آقایی

انتشارات گنج هنر، ۱۳۸۶

همزمان از سیستم‌های متریک و اینچی استفاده شود. انگیزه‌ی اصلی نگارش کتاب، کمک به طراحان معماری است که خود کارشناس انرژی نیستند تا نتایج انرژیکی تصمیمات طراحی خود را دریابند و از طرفی ارائه‌ی اطلاعات به آنهاست به گونه‌ای که بتوانند از مسائل انرژی در ایجاد فرم استفاده کنند و نه اینها فقط محدودیت‌ها را رعایت کنند. مؤلف با اذعان بر اینکه استفاده از انرژی در معماری فراتر از آن چیزی است که در کتاب حاضر آمده، اما هدف از محدود کردن بحث، تمرکز بر ارتباط میان فرم معماری و کاربرد انرژی است. بنابراین مباحثی از انرژی که به فرم معماری خاصی منجر نمی‌شود، مورد توجه قرار نگرفته است. ارتباط میان فرم معماری و انرژی بیشتر از آن جهت است که فرم معماری می‌تواند عمیقاً تحت تأثیر استفاده از انرژی قرار گیرد. این تأثیر باید شناخته شده و در فرآیند طراحی به آن توجه شود. محور اصلی کتاب بر این است که بیشترین تصمیمات که در استفاده از انرژی در ساختمان مؤثر است در طی مراحل شماتیک پروژه گرفته شود.

\*\*\*

«آرزوی من این است که طراحان از این کتاب صرفاً برای ساختمان‌هایی که پردازشگر انرژی باشند، استفاده نکنند، بلکه در آن روش‌هایی را جست و جو کنند که این پردازش را نمایان ساخته و به آن معنی دهد. در حالی که اغلب ساختمان‌های ما سیستم‌های کنترل محیطی خود را پنهان کرده و ساکنان را از آهنگ زندگی در محیط بیرون جدا می‌کنند، برخی از استراتژی‌های این کتاب می‌تواند برای ایجاد ارتباطی دوباره استفاده شود...»

## مقدمه

ویرایش حاضر که ویرایش دوم کتاب است با تجدیدنظر کلی همراه شده و حجم بیشتری را به خود اختصاص داده است. البته استخوان‌بندی و چارچوب خود را از ویرایش اول گرفته و به خواننده و استفاده‌کننده این امکان و اجازه را می‌دهد تا به گرمایش، سرمایش و روشنایی در زمینه‌ای از عناصر معماری و ارتباط بین آنها نگاه کند. همچنین در اغلب موارد منابع اصلی تئوری یا داده‌های مورد استفاده در ساخت یک ابزار یا ترسیم یک شکل بیان و تلاش شده تا پوشش جغرافیایی فراتر از آمریکا در نظر گرفته شود و

مطالعه‌ی کتاب نشان می‌دهد که خواننده می‌بایست پیش زمینه‌ای در رابطه با مسائل انرژی و تکنیک‌های مرتبط با آن داشته باشند، چرا که کتاب یک اثر جامع، خودآموز و آموزشی نیست. اطلاعات داده شده سطحی عمومی دارد و صرفاً بر ایده‌های عمومی عناصر معماری و وزن و ارتباط آنها با دیگر عناصر تکیه شده است. نکته‌ی قابل ذکر آنکه اگر طراحی نخواهد صرفاً براساس ایده‌های کتاب طرح خودش را جلو ببرد، باید به منابع دیگری نیز رجوع کند. کتاب در سه بخش تنظیم شده است:

- تکنیک‌های تحلیل

- استراتژی‌های طراحی

- استراتژی‌هایی برای تکمیل سیستم‌های غیرفعال

### تکنیک‌های تحلیل

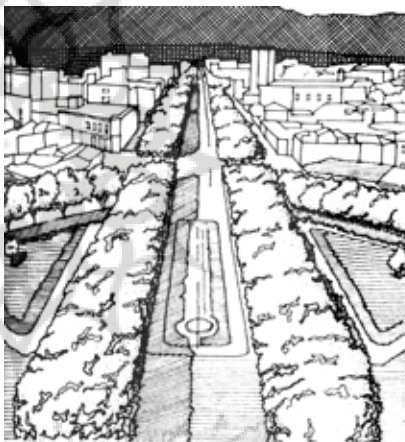
تکنیک‌های تحلیل نقشی مکمل برای بخش دوم ایفا می‌کند. این تکنیک‌ها به طراح کمک می‌کند تا با شناخت خورشید، باد و منابع نوری یک محل خاص یا اقلیم، پس زمینه‌ی مسأله را ترسیم کند و مسائل طراحی را بفهمد. طراح با این اطلاعات می‌تواند به یک ایده با استفاده از آن نوع استراتژی‌هایی که احتمالاً مفیدتر هستند، شکل دهد.

طراح با این تکنیک‌ها وادار می‌شود تا نسبت به کاربردهای محتمل انرژی در ساختمان، قبل از طراحی آن آگاه باشد. به گونه‌ای که کاربرد تکنیک‌های طراحی معماری مناسب، برای استفاده از نور روز و گرمایش فعال خورشیدی و سرمایش منطقی به وسیله‌ی باد، به بخش اصلی و غیرقابل تفکیک مرحله‌ی طراحی مقدماتی تبدیل شود. اطلاعات اقلیمی و بار انرژی حاصل شده به عنوان داده‌های ورودی برای استفاده در ابزارهای معرفی شده بخش‌های دوم و سوم به کار برده می‌شود. کتاب برای فرمول‌بندی تکنیک‌های تحلیل، بین تکنیک‌های تحلیل، استراتژی‌های طراحی، و تکنیک‌های ارزش‌یابی تفاوت‌هایی قائل شده است. چنانچه برای درک مسأله و زمینه‌ی آن از تکنیک‌های تحلیل استفاده می‌شود و با آنها می‌توان متغیرهای مهم را شناسایی و اهمیت نسبی آنها را تعیین کرد. عوامل ایجادکننده‌ی فرم استراتژی‌های طراحی هستند و روی آشکارسازی ارتباط بین فرم و فضای معماری و کاربرد انرژی متمرکز می‌شوند. تکنیک‌های ارزش‌یابی همان‌گونه که در کتاب به آن اشاره می‌شود با تکنیک‌های تحلیل متفاوتند و در مرحله‌ی انتخاب طرح نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. با اینکه مفاد تکنیک‌های تحلیل ممکن است مشابه با تکنیک‌های ارزش‌یابی باشد، اما کاربردشان اساساً متفاوت است و تأثیر بالقوه‌ی آنها بر مرحله‌ی طراحی مقدماتی بسیار کمتر است.

بخش اول در پنج گروه شامل: اقلیم به مثابه زمینه، برنامه و کاربرد، فرم و پوشش، ترکیب اقلیم، برنامه و فرم، الکتریسیته و ظرفیت آب گرم، ارائه شده است.

### اقلیم به مثابه زمینه

تکنیک‌های اقلیم به مثابه زمینه به طور مستقیم به تعریف زمینه مرتبط است. طراح به کمک این تکنیک‌ها می‌تواند مشخص کند که چه مقدار خورشید، باد و نور در محل وجود دارد و در طول روز و طی سال چه تغییراتی می‌کنند. با توجه بیشتر روی اقلیم می‌توان به تعیین نقش ساختمان در بهبود راحتی و آسایش انسان کمک کرد. در واقع تکنیک‌های تحلیل به ادراکی منجر می‌شود که تأثیر زیادی بر نحوه‌ی استفاده از انرژی و تعیین زمان‌های استفاده از آن برای گرمایش، سرمایش و روشنایی می‌گذارد. این تکنیک‌ها به پنج دسته شامل: خورشید، باد، خورشید و باد به صورت توأمان، نور، و آسایش تقسیم می‌شوند. این تکنیک‌ها به طرح یاری می‌کند تا بدون نیاز به اندازه‌گیری واقعی در محل منابع را ارزیابی کند. برای مثال متدهای خورشید برای ارزیابی میزان دسترسی‌پذیری خورشید استفاده می‌شود. در تکنیک‌های باد اطلاعات جدولی و خشک کمیته‌های هواشناسی به صورت نمودارهای گرافیکی تبدیل شده به نحوی که طرح می‌تواند سرعت، جهت و فراوانی باد را بسیار ساده‌تر درک کند. حوزه خورشید و باد، تکنیک‌هایی را دربر می‌گیرد که برای تجزیه و تحلیل اثرات مرکب این عوامل بر یک سایت خاص به کار می‌رود و به طرح کمک می‌کند تا مکان‌یابی دقیق‌تری برای ساختمان‌ها و فضاهای خارجی انجام دهد. حوزه‌ی نور سه تکنیک پوشش آسمان، میزان دسترسی نور روز و حوزه‌ی



رودخانه — باد شانه غربی → پارک، درختکاری، گورستان  
 باد شانه آسمان ← کشاورزی، توسعه نیافته  
 مسکونی مشترک [ ] مسکونی نامشکام [ ]

آسایش نیز تأثیر متقابل دما، رطوبت نسبی، تابش خورشید و سرعت باد را بر حسب راحتی و آسایش انسان ارزیابی می‌کند.

### برنامه و کاربرد

تکنیک‌های تحلیل برنامه و کاربرد بر این امر توجه دارد که چگونه نوع ساختمان و شدت و مقدار استفاده از آن بر مقدار تولید حرارت داخلی تأثیر گذاشته که در نهایت بر تجهیزات گرمایش و سرمایش تأثیرگذار است. «این که ساختمان چگونه و چه زمان‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در تعیین تجهیزات گرمایشی، سرمایشی و روشنایی یک ساختمان اهمیت اساسی دارد.

ساختمانی که کمتر استفاده شود بار حرارتی داخلی کمتری ایجاد می‌کند و نیازهای گرمایشی و سرمایشی آن بیشتر به مشخصه‌های اقلیم وابسته است» (ص ۳۸)

در این حوزه تکنیک‌های تجزیه و تحلیل به سه گروه تقسیم می‌شود: سکونت، نور مصنوعی، و تجهیزات که می‌توانند اطلاعات لازم را برای الگوهای سرمایشی و گرمایشی تهیه کنند. از آنجایی که این‌ها مهم‌ترین منبع اصلی ایجاد حرارت داخلی هستند، قادرند استراتژی‌های طراحی برای کاهش این بار را نیز پیشنهاد کنند.

### فرم و پوشش ترکیب اقلیم - برنامه و فرم

تکنیک‌های فرم و پوشش نشانگر آن است که چگونه شکل یک ساختمان، ابعاد، جهت و پوشش آن بر افزایش یا کاهش حرارت و بالطبع بر تجهیزات گرمایش و سرمایش تأثیرگذار است.

به نظر می‌رسد ساختمان سومین عاملی است که بر نیازمندی‌های حرارتی برودتی مؤثر است. شکل و ساخت یک ساختمان تأثیر زیادی بر این موضوع دارد که چه مقدار از بارهای داخلی و اقلیمی واقعاً به نیازمندی‌های حرارتی یا برودتی تبدیل می‌شود. برای مثال وقتی ساختمان رو به آفتاب طراحی شود، در یک اقلیم گرم، مقدار زیادی انرژی در واحد سطح دریافت می‌شود اما اگر شکل و جهت ساختمان طوری طراحی شود که مقدار کمتری از سطح آن در معرض آفتاب باشد، بازوها دارای سایبان باشد و دیوارها عایق شود، بخش عمده‌ای از این انرژی را می‌توان کاهش داد تا منجر به افزایش نیازمندی‌های برودتی نشود. (ص ۴۵)

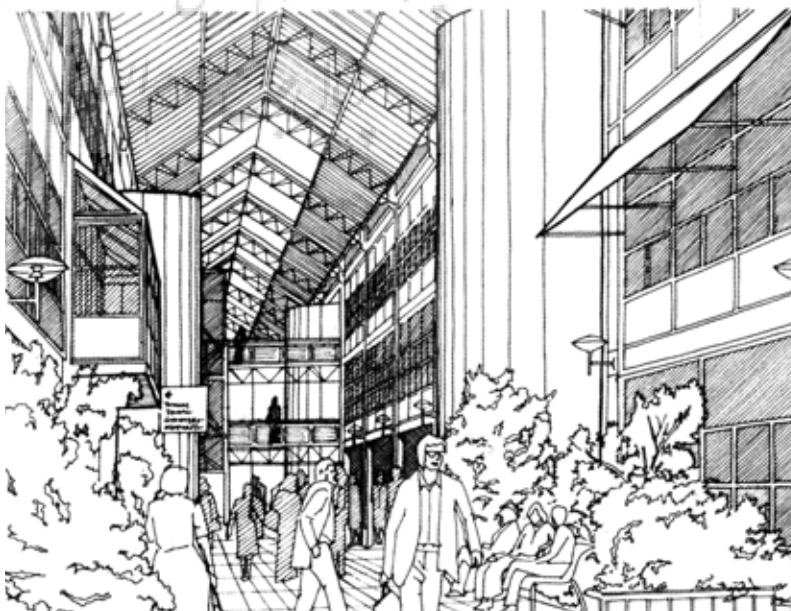
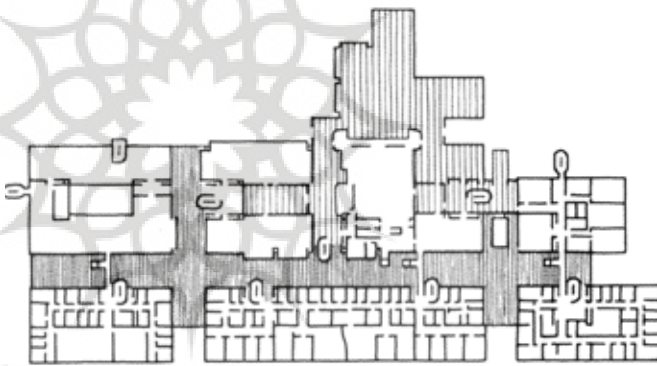
تکنیک‌های فرم و پوشش نیز همانند تکنیک‌های بخش برنامه و کاربرد، برای تولید اطلاعات مورد نیاز برای الگوهای گرمایشی و سرمایشی به کار می‌رود و احتمالاً بیشتر همراه با آنها استفاده می‌شود.

اما تکنیک‌های ترکیب اقلیم، برنامه و فرم از این جهت که ثابت می‌کند چگونه این تکنیک‌های بر هم‌کنش اقلیم، برنامه و فرم بر تجهیزات گرمایش و سرمایش تأثیر می‌گذارد، شاید مهم‌ترین بخش باشد. مفاهیم اقلیم، برنامه و فرم به شکل مجزا قابل فهمند، اما هنگامی که ادغام می‌شوند، درک آنها پیچیده‌تر می‌شود.

### استراتژی‌های طراحی

در این بخش که در واقع قلب کتاب است، طراح می‌تواند مفیدترین مفاهیم طراحی پایه فرمول‌بندی شده را برای یک پروژه بیابد. استراتژی‌های طراحی در کتاب حاضر به سه گروه تقسیم شده است: گروه‌های ساختمانی، ساختمان‌ها و بخش‌های ساختمان. این تقسیم‌بندی به طراح کمک می‌کند تا یک قاعده‌ی خاص مانند حرکت آفتاب را در اندازه‌ی مورد نظر و متناسب با پروژه درک کند. استراتژی خاص با سازماندهی مقیاسی، به استراتژی‌های خاص عناصر معماری مانند خیابان‌ها، بلوک‌ها، اتاق‌ها، پنجره‌ها و دیوارها و همچنین استراتژی‌هایی برای ارتباط بین این عناصر مانند لایه‌ها و زون‌ها تقسیم می‌شوند.

به نظر می‌رسد این روش از آن رو انتخاب شده است که عناصر معماری مخرج مشترک تمام موضوعات مورد بررسی در مرحله‌ی طراحی مقدماتی است. این عناصر همان‌هایی هستند که



طراح برای توسعه‌ی طراحی با آنها سروکار دارد. برای مثال موقعی که پنجره مورد بررسی باشد، استراتژی‌های گرمایش، سرمایش، و استفاده از نور روز را می‌توان در مجموعه‌ی پنجره و در زیر مجموعه‌های جهت، اندازه، موقعیت و شکل جست و جو کرد. این استراتژی‌ها را هم می‌توان با هم و هم با دیگر موضوعات مرتبط با پنجره، مانند نما یا نحوه‌ی نمایش آن بررسی کرد.

در این بخش تلاش می‌شود استراتژی‌های طراحی جامع در مراحل مقدماتی فرآیند طراحی تشخیص داده شود. استراتژی‌هایی که باید فراگیر بوده و در عین حال لب مطلب را برساند. پنج معیار برای ارزیابی قابل درج بودن استراتژی‌های طراحی در کتاب استفاده شده است:

- مرتبط بودن آنها با انرژی

- استراتژی‌ها باید فرم و ارتباط سازمانی مشخصی را آشکار کنند.

- اگر یک استراتژی فرم و ارتباط سازمانی مشخصی را نیز آشکار نکند، اما به صورت بالقوه اثر عمده‌ای روی ظاهر ساختمان داشته باشد باز در این فهرست جای می‌گرفت.

- برخی استراتژی‌های کوچک مقیاس به این علت آورده شده که نادیده گرفتن‌شان نیازمند طراحی مجدد در مراحل بعدی فرآیند طراحی بوده است. عایق کاری شبانه نمونه‌ای از چنین استراتژی‌هایی است.

با اشاره به تقسیم استراتژی‌های طراحی به سه گروه ساختمانی، ساختمان‌ها و بخش‌های ساختمان، مؤلفان یک روش استفاده از کتاب را این می‌دانند که «زمانی که به یک مسئله‌ی مشخص فکر می‌کنید - مثلاً چگونگی چیدن مجموعه‌ای از اتاق‌ها - استراتژی‌های آن مقیاس را جست و جو کرده و استراتژی را که به آن مسئله‌ی مشخص می‌پردازد، به عنوان یک ایده در طرح خود دخالت دهید. روش دیگر استفاده از این کتاب زمانی است که با یک ایده طراحی خاص مانند چیدن فشرده اتاق‌ها کار خود را دنبال می‌کنید، در این حالت می‌توانید به دنبال استراتژی سازماندهی فشرده بگردید که دارای ظرفیت گرمایش، سرمایش، و روشنایی روز هستند. هر استراتژی طراحی در چند صحنه محدود شده که شامل تعریف استراتژی، توضیح پدیده‌های مرتبط با استراتژی، ابزار یا روش دستی تعیین ابعاد، و تصویری از کاربرد استراتژی در معماری است.» (ص ۷۹)

با توجه به نکته‌ی بالا هر استراتژی در سایه‌ی سه سؤال که پاسخ به آنها در طراحی هر موضوع فیزیکی لازم است، گسترش یافته است: اینکه عناصر معماری مورد نظر کدام است؟ چه ارتباطی بین این عناصر وجود دارد؟ ابعاد این عناصر چقدر است؟ سؤالات چقدر؟ چند تا؟ و چه نوع ترکیب‌بندی؟ معمولاً در مرحله‌ی طراحی شماتیک سخت‌تر پاسخ مناسبی دریافت می‌کنند. تقریباً تمام استراتژی‌ها در جایی که سؤال چقدر؟ مهم باشد، دارای یک ابزار دستی تعیین ابعاد هستند. برخی استراتژی‌های مفید حفظ و نگهداشت انرژی به این علت کنار گذاشته شده‌اند که هیچ ابزار ساده‌ای برای تعیین ابعاد آنها وجود نداشته است.

### استراتژی‌های سیستم‌های غیرفعال

بخش سوم به استراتژی‌های سیستم‌های غیرفعال مکمل که حجم کمتری از کتاب را اشغال کرده‌اند پرداخته می‌شود، اما این بخش نشان

می‌دهد که چگونه استراتژی‌های سیستم‌های غیرفعال با موضوعات دیگر مانند سیستم‌های الکتریکی و مکانیکی در ساختمان ادغام می‌شود. این ادغام ترکیب پیچیده‌ای به خصوص در ساختمان‌های بزرگ است. هدف این بخش نشان دادن موضوعات تکرارپذیری است مانند این که چگونه می‌توان ظرفیت توده حرارتی سیستم‌های غیرفعال را افزایش داد، و همچنین توضیح پتانسیل اثرات معماری و نه روش‌های دقیق برای سیستم‌های خیلی بزرگ.

از آنجایی که کتاب حاضر در ارتباط با سیستم‌های غیرفعال است، تأکید این بخش استفاده از سیستم‌های فعال برای تکمیل سیستم‌های غیرفعال است. البته مؤلفان در این ارتباط متذکر می‌شوند که:

«این فصل دربرگیرنده‌ی تمام جزئیات سیستم‌های فعال به عنوان تکمیل کننده‌ی سیستم‌های غیرفعال نیست. بلکه استراتژی‌هایی برای حل مسائلی را مطرح می‌کند که سیستم‌های غیرفعال معمولاً با آنها مواجه هستند. این مسائل شامل دستیابی به یک سطح روشنایی بالا با استفاده از پنجره‌ها در شرایطی که روشنایی خارجی دائماً در حال تغییر است، بالا بردن ظرفیت ساختمان برای ذخیره گرما یا سرما، و جابجا کردن سرما یا گرما از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر است.» (ص ۲۷۶)

در واقع استراتژی‌های این بخش ماهیتی کلی‌تر نسبت به استراتژی‌های بخش دوم دارد و بیانگر آن است که چگونه می‌توان سیستم‌های غیرفعال را در مرحله‌ی مقدماتی فرآیند طراحی تکمیل کرد. چنانچه سیستم‌های کاملاً فعال پیش‌بینی شود، تأثیری که بر فرم و سازمان‌دهی ساختمان می‌گذارند، در این مرحله‌ی طراحی کاملاً چشمگیر خواهد بود.

### نکته‌ی پایانی

کتاب در وهله‌ی نخست با آب و هوای معتدل سروکار دارد. با اینکه بسیاری از استراتژی‌های طراحی در آب و هوای دیگر می‌تواند مفید باشد اما گرایش موجود به اقلیم‌های معتدل است تا آب و هوای مناطق بسیار سرد یا بسیار گرم. محتوای کتاب نشان می‌دهد که در ویرایش دوم گستره‌ی مناطق تحت پوشش از خط استوا تا قطب‌های شمال و جنوب توسعه یافته است. خواننده مستقیماً از طرق مختلف می‌تواند اطلاعات مورد نیازش را به دست آورد.

مباحث کتاب مطابق با موضوع مورد بحث همراه با یکی از مسائل گرمایش، سرمایش یا استفاده از نور روز است. هر بخش با پیش‌درآمدی همراه شده که در آن با ذکر مثالی چگونگی رابطه‌ی میان تکنیک‌ها و استراتژی‌ها با هم و همچنین تکنیک‌ها و استراتژی‌های ارائه شده در فصل‌های دیگر توضیح داده می‌شود.

کتاب براساس معماران و ساختمان‌ها نیز نمایه‌سازی شده و بعد از خواندن مطلبی درباره‌ی یک ایده به راحتی می‌توان دوباره به آن مطلب رجوع کرد. در قالب واژه‌نامه‌ای نیز تمامی اصطلاحات فنی به کار رفته در متن کتاب توضیح داده شده است. در ضمیمه‌ی کتاب نیز اطلاعات اقلیمی ارائه و در صورت لزوم به تکنیک‌ها یا استراتژی‌ها اشاره شده است. در واقع اغلب اطلاعات برای طراحی در یک مکان خاص گردآوری شده است.



## باغ‌های ایران

غلامرضا نعیم

نشر پیام، ۱۳۸۶

مقدمه

ایرانیان اعتقاد دارند که آدمی در باغ عدن، حیات و هستی‌اش را بازیافته و خداوند بر همین اساس او را برای باغبانی این باغ انتخاب کرده است. اما آدمی با خطایش از آن باغ بیرون رانده شد و زمانی که از این باغ (بهشت) رانده شد، فرزندانش تلاش کردند تا به این باغ بهشتی بازگردند و قصد کردند باغی مانند بهشت بسازند آن گونه که برای کیومرث و مشی و مشیانه ایجاد شد.

به گفته‌ی مورخان یونانی پیرامون خانه‌های ایرانیان باغ‌هایی بود به نام پردیس که در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز به آن اشاره شده است. در اوستا نیز به این واژه پرداخته شده از دو قسمت تشکیل شده است. پردیس از زبان مادی (پارادتزا) و از لغت فارسی پالیز شکل گرفته و به معنی پیرامون در معنای انباشتی و دیوار کشیدن آمده است و بر روی هم به مفهوم گل و درختکاری در اطراف ساختمان می‌باشد و واژه‌ی پارادیز نیز به معنای بهشت و باغ نیز از همین واژه است.

در تورات به پردیس باستانی خوزستان یا بهشت‌های جاودانی اشاره می‌شود. در کتیبه‌ی اردشیر دوم پردیس به مفهوم باغ آمده و در اوستا دوبار از آن به پاری دیزه یاد شده است. همچنین در قرآن مجید دوبار از فردوس یاد شده است.

به نقل از گزنفون هنر باغ‌سازی پیش از هخامنشیان در آثار تخت‌جمشید و شوش دیده می‌شود. او می‌نویسد که در شهرهای ایران باغ‌های پردرخت وجود دارند، باغ‌هایی که به آن پردیس گویند. در کتاب از «زبان داریوش» نیز به واژه‌ی پریدایده اشاره شده که از فارسی باستان به زبان یونانی و آلمانی راه یافته است و آن را به صورت پارادایس به معنای فضای محصور و باغ به کار می‌بردند و واژه‌ی پردیس و فردوس نیز از همین کلمه مشتق شده است.

در سنگ نگاره‌های هخامنشی نظم هندسی باغ ایرانی به خوبی دیده می‌شود. با آغاز دوره‌ی هنر و معماری ایلامی باغ از یک ترکیب هندسی سراسر، باغ راه‌های عمود بر هم و کرت‌های چهارگوش برخوردار می‌شود که با ظهور دین اسلام طرح و اشکال دارای نوعی انعطاف و ظرافت شده و در همان حال توازن معماری و باغ‌سازی گذشته

را هم‌چنان با خود دارند.

ایرانیان درختان و پرستش آنها را واجد اهمیت می‌دانستند. این رسم که از معابد میترا و مهراب پارسیان گرفته شده، بعدها به سایر نقاط گسترش یافت. نقوش مرتبط با آب، گل و گیاه در آثار نخستین کشف شده، به ویژه در ظروف سفالی نشانگر حضور مستمر آنها در زندگی انسان ایرانی است.

باغ‌های ایرانی دارای ترکیبی ساده و موزون، رابطه‌ای صحیح و استوار، نظام هندسی مشخص، خطوط عمود بر هم، تخت کرت‌های چارگوش و شبکه‌ی جهت‌دار آب است که در فضاهای باز و پوشیده گسترده شده است. در باغبندی باغ‌های ایرانی تلاش شده است از خطوط مستقیم و سطوح مستوی استفاده شود. در این باغ‌ها، پستی و بلندی و تپه ماهور دیده نمی‌شود. ابعاد متعادل جماد، نبات، آب و رعایت مقیاس انسانی از ویژگی‌های باغ‌های ایران است. باغ ایرانی مجموعه‌ای هماهنگ و زیبا از آب و گیاه سایه روشن، رنگ، فضا، معماری و... بر پایه‌ی هندسی متین و آرام است.

کتاب «باغ‌های ایران» در نه بخش به بررسی تاریخی، بررسی کالبدی، باغ‌های اصفهان، باغ‌های شیراز، باغ‌های حاشیه کویر، باغ‌های تهران، باغ‌های شمال ایران، سایر باغ‌های ایران، و تاج محل تداوم باغ ایرانی، پرداخته است.

در بررسی تاریخی مؤلف ابتدا به سیر تاریخی باغ‌سازی در ایران پیش از اسلام پرداخته و به شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن بر باغ‌سازی ایران، باغ‌سازی هخامنشیان در زمان جانشینان کوروش، باغ‌های معلق بابل، عمارت خسرو - قصر شیرین، و کاخ تیسفون و مجموعه باغ‌های اطراف آن اشاره می‌کند. سپس باغ‌سازی ایران در دوره‌ی اسلامی با توجه به گرایش ایرانیان به دین اسلام و جهان‌بینی اسلامی و گسترش آن در اقصی نقاط عالم اسلامی و تأثیری که بر باغ‌سازی سایر ملل دارد، مورد بحث قرار می‌گیرد.

در مبحث بررسی کالبدی ابتدا به خصوصیات کلی باغ‌های ایرانی اشاره می‌شود:

- احداث باغ غالباً در زمین شیب‌دار



- محصور بودن پیرامون باغ با دیوار  
 - تقسیم سطح باغ غالباً به چهار بخش  
 - استفاده از خطوط راست در طراحی باغ  
 - وجود یک ساختمان در مرکز با بلندترین قسمت فضا  
 - استفاده از یک جوی دائم اصلی آب دائم  
 - روان نمودن آب به گونه‌ای که صدای آب به وجود آید (آب شیب‌ها)  
 - استفاده از سنگ‌های تراش دار در کفجوی برای نمایان شدن موج آب (سینه کبکی)  
 - وجود رابطه نزدیک با طبیعت و عدم وجود حدفاصل بین ساختمان و باغ  
 - وجود حوض یا استخر برای تأمین آب و زیبایی چشم انداز در مقابل عمارت  
 - استفاده از درخت‌های زیاد و سایه‌دار و وجود معبرهای باریک  
 - اختصاص دادن بیشترین قسمت باغ به کاشت درختان میوه  
 - استفاده از انواع گل‌های زینتی و دارویی  
 - استفاده بیشتر از گل سرخ نسبت به گونه‌های دیگر (ص ۲۳)  
 پس از اشاره به انواع باغ و معرفی فضاهای کالبدی باغ‌ها عمارت سردر، عمارت اندرونی، فضاهای خدماتی و جنبی، هندسه‌ی باغ ایرانی مورد توجه قرار گرفته است. شکل مربع که فاصله‌ی بین اجزا باغ را به طور ساده و روشن نشان می‌داد و چشم‌انداز اصلی که به شکل مستطیل بود. در واقع در این باغ‌ها، در مقابل بنا، فضای باز و کشیده‌ای بود که درست در چشم‌انداز اصلی قرار می‌گرفت.  
 نویسنده باغ‌ها را از نظر خصوصیات جغرافیایی (توپوگرافی) و چگونگی قرارگیری طبقه‌بندی کرده است. در این طبقه‌بندی باغ‌های کم‌شیب، باغ‌های روی تپه (باغ تپه)، باغ آبی، باغ خانه، باغ کنار رودخانه مورد توجه قرار گرفته‌اند. پس از اشاره به گیاهان در باغ ایرانی، به آب در باغ ایرانی پرداخته می‌شود. در طراحی باغ‌های ایرانی - اسلامی در مورد نقش آب و جایگاه آن در باغ می‌خوانیم:  
 «... برای اینکه آب بسیار پاک و تمیزتر از معمول به نظر آید و از

سوی دیگر به دلیل آنکه در هوای گرم تابستان گیاهان و جانوران تک سولی و پرسولی که سریع رشد می‌کنند، آب را آلوده و کدر نکنند حتماً آب باید به صورت مداوم در حال حرکت نگاه داشته شود زیرا تمیزی و درخشندگی آب خود نوعی خنکی و شعف را به بیننده القاء می‌کند. حوض‌ها جزء عناصر اصلی الگوی باغ ایرانی هستند که اغلب لبریز از آب می‌باشند زیرا معمولاً آنها در بالاتر از سطح زمین احداث می‌گردند. آب با فشار خود از لبه‌های حوض به محوطه‌ی هم سطح زمین می‌ریزد و از آنجا در مسیرهای مشخص شده جاری می‌شود. شکل اولیه‌ی حوض‌ها در باغ‌های ایرانی به شکل حوض‌هایی با آب‌های روان، از یکی به دیگری بوده است.» (ص ۴۳)

نویسنده در بخش سوم و تحت عنوان «باغ‌های اصفهان» به موضوع باغ شهر ایده‌ی ایرانی، خیابان چهار باغ، باغ هزار جریب، باغ و کاخ موزه چهلستون، باغ بلبل و عمارت هشت بهشت، باغ فرخ آباد، و... پرداخته و بخش چهارم را با عنوان «باغ‌های شیراز» به پیش می‌برد. باغ ارم، باغ دلگشا، باغ گلشن (عقیف‌آباد)، نارنجستان قوام، باغ نظر (موزه پارس)، باغ جهان نما، ارگ کریمخانی، باغ تخت قراچه، آرامگاه حافظ (باغ مزار)، آرامگاه سعدی (باغ مزار) از جمله مباحث مربوط به بخش چهارم کتاب است.

آن گاه با اشاره به باغ‌های حاشیه‌ی کویر اعم از باغ فیض، کاشان، باغ دولت‌آباد یزد، باغ شاهزاده - ماهان - کرمان، باغ مزار شاه نعمت الله ولی، باغ گلشن طیس، باغ نو (باغ خان) طیس، باغ قدمگاه نیشابور، و... به باغ‌های طهران و باغ‌های شمال ایران و سایر باغ‌های ایران می‌پردازد. بخش پایانی نیز به بحث تاج محل تداوم باغ ایرانی اختصاص یافته است.

نکته اینکه باغ ایرانی همراه با پیشرفت تمدن و فرهنگ پارسیانی که در ایران استقرار یافتند، به تدریج شکل گرفته است و دستیابی به نظم حاکم بر باغ ایرانی در زمان طولانی و همراه تحولات تمدن و شکل‌گیری فرهنگ ایرانی حاصل شده است. گرچه این نظم مبتنی بر دیدگاه‌های دقیق نمادین و تمثیلی نشأت گرفته از دین (زرتشت و سپس اسلام) و فرهنگ ایرانی بوده است.